

معنی جملات و شعرهای مهم

فارسی هفتم



• ای نام تو مونس روانم / جز نام تو نیست بر زبانم

خدایا نام تو بهترین دوست و همدم برای جان من است و نام تو همیشه بر زبان من است

• ای هست کن اساس هستی / کونه ز درت دراز دستی

ای خدایی که پایه و اساس جهان را ایجاد کرده ای ، ظلم و ستم در درگاه تو وجود ندارد .
(یعنی تو به کسی ظلم و ستم نمی کنی)

• هم تو به عنایت الهی / آنجا قدمم رسان که خواهی

خدایا ، با لطف و بخشش خداوندی ، مرا به آن جایگاهی که می پسندی و صلاح می دانی برسان.

• شبنم از روی برگ گل برخاست / گفت می خواهم آفتاب شوم

• ذره ذره به آسمان بروم / ابر باشم دوباره آب شوم

قطره کوچک از روی برگ گل بلند شد و گفت : می خواهم مثل خورشید بزرگ و نورانی باشم . آهسته آهسته به آسمان بروم و ابر بشوم و دوباره تبدیل به قطرات باران شوم .
(همیشه در چرخه طبیعت و در جریان باشم)

• تا افق های دور کوچ کنم / باز پیغمبر بهار شوم

می خواهم تا سرزمین های دور دست پرواز کنم و دوباره پیام آور رسیدن فصل بهار باشم.

• کاش روزی به کام خود برسید / بچه ها آرزوی من این است

بچه ها ، آرزوی من این است که شما به آرزوهای خود برسید.

• گفت : جان پدر تو نیز اگر بختی ، به از آن که در پوستین خلق افتی.

گفت : عزیزم ، تو هم اگر بخوابی بهتر از این است که پشت سر مردم حرف بزنی (غیبت کنی)

• ای خدا ای فضل تو حاجت روا / با تو یاد هیچ کس نبود روا

خدایا ، لطف و بخشش تو ، نیازهای ما را برآورده می کند و با وجود تو شایسته نیست ما کس دیگری را یاد کنیم .

• بی ادب تنها نه خود را داشت بد / بلکه آتش در همه آفاق زد

انسان بی ادب تنها به خودش بدی نمی کند بلکه بدی او شامل همه می شود. (به همه آسیب می زند)

• تو را پرواز بس زود است و دشوار / ز نوکاران که خواهد کار بسیار

پرواز برای تو هنوز هم زود است و هم سخت و از افراد تازه کار ، کسی انتظار کار زیاد ندارد .

• نگشت آسایشم یک لحظه دمساز / گهی از گربه ترسیدم که از باز

در زندگی حتی یک لحظه هم آسایش و آرامش نداشتم . گاهی از گربه ترسیم و گاهی از پرنده شکاری .

• نگردد شاخک بی بن برومند / ز تو سعی و عمل باید ز من پند

شاخه کوچک بدون ریشه قوی و بارور نمی شود . تو باید سعی و تلاش کنی و من باید به تو پند بدهم .

• **آن دست که زیر سر مادرم بود . خون اندر آن خشک شده بود .**

آن دستی که زیر سر مادرم گذاشته بودم ، بی حس و بی حرکت شده بود.

• **گفتم : ای تن ! رنج از بهر خدای بکش .**

گفتم ای بدن ، به خاطر خشنودی خدا این سختی ها را تحمل کن .

• **یارب ، تو از وی خشنود باشو در جتش درجه اولیا گردان .**

خدایا ، تو از او (پسر م) راضی باش و او را در مرتبه و جایگاه دوستان خودت قرار بده .

• **قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می شود.**

بیشتر عمر انسان در نادانی و بی خبری می گذرد.

• **از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن / فردا که نیامده است فریاد مکن .**

روزی که گذشته است را یادآوری نکن و نگران فردایی که نیامده نباش

• **برنامده و گذشته و بنیاد مکن / حالی خوش باش و عمر بر باد مکن**

زندگی خود را بر اساس روزهای گذشته و آینده قرار نده ، در لحظه حال خوشحال باش و عمر خود را هدر نده.

• **ای مرغک خرد ز آشیانه / پرواز کن و پریدن آموز**

ای پرنده کوچک از آشیانه خود بیرون بیا و پرواز را یاد بگیر

• **تا کی حرکات کودکانه / بر باغ و چمن چمیدن آموز**

تا کی می خواهی از خودت رفتار کودکانه نشان دهی ، به باغ و چمن بیا و راه رفتن زیبا را بیاموز

• به راستی که یکی از نواغ ادب است / میان شاعره ها تاکنون نظیرش نیست

به راستی که پروین اعتصامی هوش و استعداد بالایی در ادبیات دارد و در بین شاعران زن کسی مانند او نیست.

• تو را دانش و دین رهاند درست / در رستگاری بیایدت جست

به درستی که علم و دین در زندگی تو را نجات می دهد و تو باید راه رستگاری و سعادت را جستجو کنی.

• اگر چشم داری به دیگر سرای / به نزد نبی و وصی گیر جای

اگر انتظار داری در بهشت جایگاه خوبی داشتی باشی از سخنان و گفتار پیامبر اسلام و جانشین او (علی (ع) پیروی کن.

• برین زادم و هم برین بگذرم / چنان دان که خاک پی حیدرم

من با این باور و اعتقاد به دنیا آمده ام و با همین باور نیز از دنیا خواهم رفت و بدان که من دوست دار و ارادتمند امام علی (ع) هستم .

• سخن هم نشین خود را نمی برید و بیش از حد لزوم سخن ، سخن نمی گفت

پیامبر اسلام (ص) سخن دوست خود را قطع نمی کرد و بیش از اندازه حرف نمی زد .

• در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی سیمایی محزون و متفکر داشت .

پیامبر اسلام (ص) در بین مردم خندان و خوشرو بود و در تنهایی چهره ای اندوهگین و در حال تفکر داشت .

• ماه فروماند از جمال محمد / سرو نباشد به اعتدال محمد

ماه از زیبایی پیامبر اسلام شگفت زده شد و درخت سرو به بلندی و راست قامتی پیامبر نیست.

• **خدا آن ملتی را سروری داد / که تقدیرش به دست خویش بنوشت**

خداوند مردمی را عزیز و بزرگ می دارد که سرنوشت و مسیر زندگی شان را خودشان تعیین می کنند.

• **به دانش گرای و بدو شو بلند / چو خواهی که از بد نیابی گزند**

اگر می خواهی که بدی ها به تو آسیب نرساند به علم و دانش توجه کن و به وسیله آن سربلند باش.

• **خداوندا به حق نیک مردان / که احوال بدم را نیک گردان**

خدایا به جان انسان های درستکار و خوب قسم می خورم که حال بد من را خوب کن .

• **زبانی ده که اسرار تو گوید / روانی ده که دیدار تو جوید**

خدایا به من زبان و قدرت سخن گفتن بده تا رازهای تو را بگویم و به من جانی ببخش تا مشتاق دیدار تو باشد .